

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۳۰ جون ۲۰۱۲

ایران در هفته ای که گذشت

روز جهانی مبارزه با مواد مخدر و کارنامه سراسر منفی جمهوری اسلامی

روز دوشنبه این هفته، روز جهانی مبارزه با مواد مخدر بود. از آنجائی که ایران در صدر کشورهای جهان قرار دارد که بیشترین معتاد به مواد مخدر را در خود جای داده است، تعدادی از وزراء و دیگر مقامات دستگاه اجرائی، مقامات قضائی و پولیس گرد آمدند، تا بگویند برای مقابله با اعتیاد روزافزون به مواد مخدر چه کرده و چه می‌کنند. نظر به این که در جمهوری اسلامی سرکوب و راه حل پولیسی، مشکل‌گشای تمام معضلات اجتماعی است و پولیس حرف اول و آخر را می‌زند، وزیر کشور که دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر است، به عنوان نخستین سخنران به توضیح دستاوردهای رژیم در مبارزه با مواد مخدر پرداخت و گفت: "امروز با داشتن تدابیر هوشمندانه و نقش‌آفرینی همه جانبه، رتبه اول مقابله با مواد مخدر را در دنیا داریم. ایران تنها در سال گذشته نزدیک به ۵۰۰ تن مواد مخدر کشف و ۱۳۰۰ عملیات درگیری مسلحانه با باندهای قاچاقچی داشته و در این مدت دو هزار و ۴۰۰ باند فعال کشف و منهدم شدند. ۵۰ درصد معتادان کشور تحت پوشش قرار گرفتند. ۲۶ هزار معتاد نیز تحت پوشش درمان اجباری قرار گرفته و در همین حال با بودجه ۹۰ میلیارد تومانی دولت، ۵ اردوگاه نگهداری محکومان مواد مخدر در حال راه‌اندازی است."

معنای "تدابیر هوشمندانه و نقش‌آفرینی همه جانبه" را در مبارزه با مواد مخدر فهمیدیم. اما وزیر کشور بالاخره نگفت، با تمام این اوصاف در این یک سال بر تعداد معتادان در ایران افزوده شده یا کاهش پیدا کرده است؟ او نگفت که تعداد این معتادان چند میلیون است؟ علت آن چیست و چرا ایران همچنان رتبه اول معتادان جهان را به خود اختصاص داده است؟

وزیر کشور آماری از معتادان در ایران ارائه نمی‌دهد، چرا که جزو اسرار جمهوری اسلامی است و مکرر از قول وزیر کشور گفته شده است که اعلام آمار به صلاح نیست. گاه و بیگاه، آمار غیر رسمی ۲ تا ۳ میلیون معتاد در ایران انتشار می‌یابد، اما کسی که گذارش به بلوچستان، کرمان، خراسان افتاده باشد، به خوبی می‌داند که فقط در این مناطق اعتیاد به تریاک ابعاد میلیونی دارد. معتادان به انواع مواد مخدر در سراسر ایران باید حدوداً رقمی بین ۵ تا

۱۰ میلیون باشد. وقتی که وزیر کشور می‌گوید در سال گذشته ۵۰۰ تن مواد مخدر کشف شده است، لابد، چندین برابر آن کشف نشده، توزیع شده است.

وزیر کشور، همچنین یکی دیگر از دستاوردهای دولت را اختصاص ۹۰ میلیارد تومان، برای ایجاد ۵ اردوگاه نگهداری محکومان مواد مخدر اعلام کرد. اردوگاه‌هایی که پیش از این نیز مکرر ایجاد و شکست آن برملا شده است. اردوگاه نه راه حلی برای معتادان کشور است و نه جلوگیری از قاچاق مواد مخدر. با ایجاد اردوگاه‌های جدید، فقط ۹۰ میلیارد تومان دیگر از حاصل دسترنج مردم ایران به دور ریخته می‌شود و نتیجه‌ای از آن حاصل نمی‌گردد. چرا که علل اجتماعی پدیدآورنده آن‌ها همچنان پابرجاست. اما نظام پولیسی - استبدادی، حتا در محدوده دیگر کشورهای سرمایه‌داری نیز درک و شعور از این علل اجتماعی که مهم‌ترین آن‌ها فقر و بیکاری‌ست، ندارد. از همین‌روست که قائم مقام وزیر کشور در امور اجتماعی و فرهنگی با حماقت تام و تمام در این اجلاس می‌گوید: "نقطه کلیدی در مبارزه با مواد مخدر، اردوگاه‌های شرایط سخت هستند." بنابراین در کشوری که مقامات گویا مسؤول در مبارزه با مواد مخدر "اردوگاه‌های شرایط سخت" را "نقطه کلیدی در مبارزه با مواد مخدر" اعلام می‌کنند، تعجب‌آور نخواهد بود که سال به سال بر تعداد معتادان به مواد مخدر و قاچاقچیان مواد مخدر افزوده گردد، صدها هزار دوسیه مرتبط با مواد مخدر در طول یک سال تشکیل گردد و به گفته رئیس پولیس مواد مخدر فقط در مدت ۳ ماهی که از سال جاری می‌گذرد، ۷۰ هزار نفر دستگیر شوند.

قائم مقام وزیر کشور در ادامه می‌افزاید: "به دستور وزیر کشور از هفته آینده، رسیدگی به ۷۰۰ نقطه حاشیه‌ی شهرها که جمعیتی بالغ بر ۵ میلیون نفر را در خود جای داده‌اند، آغاز می‌شود." رسیدگی هم از دیدگاه مقامات رژیم پولیسی جمهوری اسلامی چیزی جز این نبوده و نیست که گروهی را دستگیر و به زندان ببرند، خانه‌های این مردم فقیر را تخریب کنند و بر فقر و آلام این مردم فلاکت‌زده بیفزایند. تجربه نیز به خوبی نشان داده است که این اقدامات کمترین تأثیری در مبارزه با مواد مخدر ندارد. سپس نوبت به وزیر بهداشت و درمان رسید که اقدامات درمانی پزشکی را توضیح دهد.

وزیر بهداشت گفت: "در حال حاضر بیش از ۴۰۰ هزار نفر در مراکز درمانی دولتی و خصوصی برای ترک اعتیاد در حال درمان هستند که ۴۷ هزار نفر در بخش دولتی و ۳۸۵ هزار نفر در بخش خصوصی درمان می‌شوند." با توجه به این که اغلب افراد معتاد از میان مردم فقیر و زحمتکش هستند و نمی‌توانند هزینه‌های بخش خصوصی را تحمل کنند، ارائه همین آمار، مستننا از صحت و سقم آن، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی و وزیر بهداشت آن، حتا از زاویه پزشکی نیز کاری برای نجات معتادان انجام نداده‌اند. میلیون‌ها انسان در ایران به مواد مخدر معتادند و وزیر بهداشت می‌گوید ۴۷ هزار نفر در بخش دولتی درمان می‌شوند. در همین حد نیز معاون وی شکوه می‌کند و می‌گوید: مشکلی که وجود دارد و "باید برای آن فکری کرد این است که هم اکنون معتادان زیادی در بخش‌های روان‌پزشکی بیمارستان‌ها، تخت‌ها را اشغال کرده‌اند." جمهوری اسلامی می‌تواند هر سال ده‌ها میلیارد دلار صرف هزینه‌های نیروهای نظامی و سرکوب خود کند. هر سال بودجه آن‌ها را افزایش دهد، اما وضعیت بهداشت و درمان چنان وخیم است که به گفته معاون وزیر، تعدادی از معتادان در بخش‌های روان‌پزشکی بیمارستان‌ها تخت‌ها را اشغال کرده‌اند و باید برای آن فکری کرد! فکر مقامات جمهوری اسلامی هم چیزی فراتر از این نیست که آن‌ها را از بیمارستان‌ها اخراج کنند تا به اشغال تخت‌ها پایان داده شود.

اما اگر هم امکانات درمانی پزشکی به قدر کافی و بی‌کم و کاست وجود می‌داشت، اعتیاد مقدم بر هر چیز راه حل اجتماعی دارد و نه پزشکی. از همین‌روست که به گفته خود مقامات دولتی اغلب افرادی که دوره درمان پزشکی را

می‌گذرانند، مجدداً به استعمال مواد مخدر روی می‌آورند. تا وقتی که مسأله بیکاری، فقر و ده‌ها محدودیت و فشار اجتماعی برنیفتد، از درمان پزشکی کاری ساخته نیست. معتاد یا مجدداً به اعتیاد روی می‌آورد و یا ده‌ها معتاد دیگر جای معتاد مداوا شده را می‌گیرد.

وزیر بهداشت در گزارش خود می‌گوید: "بیش‌ترین شیوع اعتیاد در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال است که ۲۵ و ۷ دهم درصد معتادان را شامل می‌شود." همین آمار به خوبی نشان می‌دهد که به جای بهبود اوضاع، جوانان کشور بیش از پیش به سوی مواد مخدر روی می‌آورند و همه ساله جمعیت معتادان را افزایش می‌دهند. این که روی‌آوری جوانان به استفاده از مواد مخدر دلایل اجتماعی دارد، فقط می‌تواند بر سران و مقامات کودن جمهوری اسلامی پوشیده بماند.

سرانجام، در این اجلاس تنها یک نفر پیدا شد که به گوشه‌ای از واقعیات مرتبط با اعتیاد اشاره کند. معاون حفاظت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه که خطابش به وزیر کشور بود، گفت: "بعضی مقامات اجرائی، به دلیل این که ضعف‌های اجرائی خودشان را پنهان کنند، از دادن آمار و ارقام پرهیز می‌کنند." وی افزود: "در سال گذشته ۳۰۰ هزار پرونده قضائی در ارتباط با موضوع مواد مخدر تشکیل شده که ۳/۷ درصد رشد داشته، ۲۲۵ هزار معتاد دستگیر شده که نسبت به سال ۸۹، ۷ درصد رشد داشته است. بر تعداد قاچاقچیان مواد مخدر ۹ درصد افزوده شده و ۶۵ تا ۷۰ درصد زندانیان کشور به صورت مستقیم و غیر مستقیم در ارتباط با مواد مخدر هستند." آمار و ارقامی که این معاون قوه قضائیه ارائه می‌دهد، به وضوح نشان می‌دهد که ادعای سران و مقامات رژیم مبنی بر مبارزه با مواد مخدر، تبلیغاتی و پوشالی است. رشد اعتیاد به مواد مخدر را از همین آمار می‌توان دریافت. وی در عین حال خلاف ادعای وزیر کشور که مدال درجه اول را به رژیم در مقابله با حمل و نقل و کشف مواد مخدر در ارتباط با کشورهای دیگر می‌دهد، می‌گوید: "متأسفانه ایران به یکی از صادرکنندگان داروهای روان‌گردان (یا به عبارت صریح، نوعی از مواد مخدر) تبدیل شده است."

جمهوری اسلامی نه تنها نتوانسته و نمی‌تواند کوچکترین گامی در جهت مبارزه با مواد مخدر و نجات میلیون‌ها تن از مردم ایران از اعتیاد بردارد، بلکه در تمام دوران موجودیتش، مدام بر تعداد معتادان افزوده است. جمهوری اسلامی نمی‌تواند راه حلی برای مقابله با علل اجتماعی رشد اعتیاد، از جمله بیکاری و فقر داشته باشد، چرا که پاسدار نظم سرمایه‌داری، یعنی نظامی است که فقر و بیکاری، گرسنگی و از خود بیگانگی انسان‌ها، اجزاء لاینفک آن هستند. جمهوری اسلامی علاوه بر عواقب اجتماعی نظم سرمایه‌داری، با فشارها و محدودیت‌های متعددی که به مردم ایران تحمیل کرده است، به گسترش اعتیاد یاری رسانده است.

جمهوری اسلامی هیچ راه حلی برای این پدیده وحشتناکی که زندگی میلیون‌ها انسان را تباہ کرده است ندارد. کارنامه جمهوری اسلامی نه فقط در مبارزه با مواد مخدر، سراسر منفی است، بلکه مسؤول مستقیم نابودی میلیون‌ها انسانی است که زندگی‌شان تباہ شده است و همه روزه هزاران تن از آن‌ها جان خود را از دست می‌دهند.

تأیید و تکذیب بازداشت وزیر امور خارجه در قبرس

پس از ماجرای تحقیرآمیز سفر احمدی‌نژاد به برزیل که هیچ مقام مهم دولتی، حاضر به ملاقات با وی نشد و کسی از این مقامات در فرودگاه نیز به استقبال وی نیامد، در این هفته جریان بازداشت صالحی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در فرودگاه قبرس نیز خیرساز شد.

مطبوعات قبرس و ترکیه گزارش کردند که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه به دعوت وزیر امور خارجه قبرس، به همراه یک هیأت دیپلماتیک با یک هواپیمای ویژه وارد این کشور شد، اما به دلیل این که نام وی در لیست تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار داشت، توسط شعبه ضد تروریسم فرودگاه بازداشت شده و پس از مداخله وزارت امور خارجه قبرس، بعد از مدت کوتاهی آزاد شد.

خبرگزاری‌ها و مطبوعات رژیم که گویا تعدادی از خبرنگاران آنها نیز وزیر امور خارجه را همراهی می‌کردند، در مورد این مسأله به کلی سکوت کردند، تا وقتی که مطبوعات قبرس و ترکیه، این خبر را انتشار دادند. خبرگزاری فارس که نقش کیهان اینترنتی رژیم را بازی می‌کند، از بیخ و بن، این بازداشت را انکار کرد و نوشت: "مقامات قبرسی استقبال بسیار گرمی از آقای صالحی داشتند و ادعای این که وی مدتی بازداشت شده، کذب است." اما، کوثری عضو کمیسیون امنیت و سیاست خارجی در مجلس در گفت و گو با ایلنا گفت: قرار بر این است که صالحی در جلسه کمیسیون حضور یابد، تا بتوان در مورد بازداشت وی اطلاعات دقیق‌تری کسب کرد. وی افزود: "معمولاً شخصیت‌ها با تشریفات خاصی در فرودگاه حضور خواهند داشت و این که این مسأله در فرودگاه این کشور اتفاق افتاده است، شاید به دلیل خطا باشد، باید منتظر حضور خود آقای صالحی باشیم تا در این باره صحبت شود."

وزارت امور خارجه قبرس هم گفته است که قبلاً نام صالحی به عنوان رئیس سازمان انرژی اتمی در لیست تحریم قرار داشت، اما پس از آن که وی وزیر امور خارجه شد، اتحادیه اروپا نام وی را از لیست تحریمی‌ها حذف کرده است. اگر چنین است، قاعدتاً این نام می‌بایستی از لیست شعبه ضد تروریسم تمام فرودگاه‌های کشور اتحادیه اروپا حذف شده باشد، بنابراین نمی‌توانست در لیست قبرس باقی بماند. از این گذشته مقامات وزارت امور خارجه قبرس قاعدتاً باید در فرودگاه حضور یافته باشند و مقامات و مسئولین فرودگاه نیز در جریان باشند که فرضاً وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی وارد قبرس می‌شود.

با تمام این اوصاف، صالحی به محض خروج از هواپیما بازداشت و مورد بازجویی قرار می‌گیرد. خبرگزاری فارس که جریان بازداشت را انکار کرد، به این استدلال مقتضحانه متوسل می‌گردد که "صالحی و خبرنگاران پس از عبور از پادیون وارد اتاقی شده که در آن طی گفت و گونی هدف از سفر خود به قبرس را اعلام کرد." این دیگر خیلی رسوائی است که وزیر امور خارجه یک کشور، با دعوت رسمی یک کشور دیگر، به آنجا سفر کند، اما در فرودگاه، پولیس ضد تروریسم او را وارد اتاقی کند تا وزیر امور خارجه هدف از سفر خود را به پولیس اعلام نماید. حتا مردم معمولی کشورهای اروپائی نیز چنین تحقیری را نمی‌پذیرند و اجازه نمی‌دهند پولیس آنها را به اتاقی هدایت کند تا هدف از سفر خود را به کشور دیگر توضیح دهند.

خلاف آنچه که مقامات قبرس و جمهوری اسلامی ظاهراً می‌گویند و می‌خواهند چنین وانمود کنند که این مسأله یک امر اتفاقی بوده است، جریان بازداشت و بازجویی از وزیر خارجه جمهوری اسلامی، ادامه فشارهایی است که دولت‌های اروپائی به جمهوری اسلامی وارد می‌آورند و با این اقدام نیز، ضمن تحقیر سران و مقامات جمهوری اسلامی می‌خواهند بگویند که حتا رفت و آمد سران رژیم را به کشورهای دیگر سد می‌کنند.

سقوط مجدد ارزش سهام و ارزش ریال

در هفته‌ای که گذشت، اوضاع اقتصادی بار دیگر به شدت متلاطم شد. بهای سهام پی در پی کاهش یافت و بورس‌بازان برای فروش اوراق قرضه بی ارزش خود، به بازار سهام یورش بردند.

همزمان با آن ارزش ریال نیز شدیداً کاهش یافت و بهای ارزهای معتبر جهانی افزایشی جهش‌وار داشت. در حالی که در اوایل این هفته نرخ دلار در بازار آزاد ۱۸۴۵ تومان و هر یورو ۲۳۶۰ تومان بود، تا روز پنج‌شنبه قیمت دلار به ۲۰۶۰ تومان و یورو به ۲۵۵۰ تومان افزایش پیدا کرد. توأم با آن بهای طلا و انواع سکه‌ها نیز افزایش یافت. این سقوط‌های پی در پی بازار سهام و ارزش ریال، بیان‌گر عمیق‌تر شدن بحران و از هم گسیختگی اقتصادی است که فشار بار آن مستقیماً بر دوش توده‌های کارگر و زحمتکش تحمیل می‌شود.

سقوط بازار سهام به این معناست که رکود و بحران اقتصادی عمیق‌تر شده است. تشدید رکود و بحران نیز نتیجه‌ای که برای کارگران به بار خواهد آورد، اخراج، افزایش بیکاری و پیوستن صدها هزار تن دیگر به جمعیت ۸ میلیونی بیکاران در ایران خواهد بود. کاهش ارزش ریال نیز به این معناست که موج جدیدی از گرانی کالاها آغاز خواهد شد و سطح معیشت کارگران را مجدداً تنزل خواهد داد. این در حالی است که در طول ۳ ماه نخست سال جاری عموم کالاها بین ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش بها داشته‌اند و در همین چند روز اخیر، بهای هر کیلو مرغ ساعت به ساعت افزایش یافته از ۶ هزار تومان نیز تجاوز کرده است. بر همین منوال بهای هر شانه تخم‌مرغ نیز که در ماه جوزا، ۳۵۰۰ تومان بود، از ۵۰۰۰ تومان نیز فراتر رفته است. اما افزایش بهای کالاها هنوز در پیش است. با کاهش ارزش ریال در این هفته، طولی نخواهد کشید که سریعاً به همان نسبت که ارزش ریال کاهش یافته است، قیمت کالاها افزایش یابد. بعید نیست که این تأثیر حتا در هفته آینده خود را نشان دهد و مردم ایران با موج جدیدی از افزایش قیمت کالاها، در نتیجه این کاهش ارزش ریال روبه‌رو گردند. با این وجود، گران شدن کالاها در همین حد محدود نخواهد ماند. اگر کاهش ارزش ریال با همان سرعتی که در این هفته رخ داد، پیش برود، دیگر باید در انتظار چندین برابر شدن قیمت‌ها در چند ماه آینده بود. نتایج سیاست اقتصادی نئولیبرال دولت و به اصطلاح هدفمندسازی یارانه‌ها، فاجعه‌ای عظیم برای کارگران و زحمتکشان به بار آورده است. سیاست تحریم اقتصادی قدرت‌های امپریالیست نیز که قرار است چند روز دیگر به مرحله اجرا گذاشته شود، وضعیت را وخیم‌تر خواهد کرد.

بهبودی در اوضاع متصور نیست. هیچ معجزه‌ای رخ نخواهد داد. خلاص شدن از این اوضاع فاجعه‌بار، به مبارزه توده‌های مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و دگرگونی تمام نظم موجود نیازمند است. کلید رهایی در دست کارگران و زحمتکشان ایران است.